



- روزنامه‌های تحت پوشش
- روزنامه امروز
- گذشته
- اعتماد
- ایران
- جام جم
- دنیای اقتصاد
- رسالت
- شرق
- کیهان

MGID2387

magiran.com < روزنامه شرق > شماره 2985 22/7/96 < صفحه 6 (سیاست) > متن



مشخصات نشریه
آخرین شماره
آرشیو شماره های گذشته
جستجوی مطالب
سایت اختصاصی
تماس با نشریه

- چاپ مطلب
- ارسال مطلب به دوستان
- معرفی سایت به دیگران
- گزارش اشکال در اطلاعات
- اشتراک نشریات دیگر

PDF این صفحه | مطلب قبلی | فهرست مطالب | مطلب بعدی

اعزام به کهریزک دستور من بود
ناگفته های «علی اکبر حیدری فرد»

نویسنده: ملیحه حسینی

نامش با «سعید مرتضوی» و «کهریزک» گره خورده و سایه این دو پدیده بر زندگی شغلی و شخصی او چنان سنگین شده که بعید است به این زودی از آنها رها شود. حاشیه های پرونده بازداشتگاه کهریزک همین طور دنبالش می دوند، مانند ماجرای اسلحه کشی در اصفهان یا دیگر پرونده های قضایی اش که به عنوان متهم یا محکوم، منجر به حضورش در زندان شده است. حکایت نخستین مصاحبه مطبوعاتی اش هم در نوع خود جالب است: اسفند ۹۵ برای پیگیری موضوعی به دفتر یکی از علمای قم رفته بودم و چهره او برایم آشنا آمد، همکلام شدیم و از ترندهای خاص برای ترغیب به انجام یک گفت وگویی مفصل درباره حوادث سال ۸۸، ماجرای بازداشتگاه کهریزک، قاضی مرتضوی، احمدی نژاد و... استفاده کردم. از رسانه ای شدن بسیار هراس داشت و معتقد بود هر مصاحبه ای ممکن است منجر به بفرنج تر شدن وضعیت پرونده های بازمانده اش شود. اطمینان دادم پرسش ها آن طور نخواهد بود که آسیبی متوجه اش شود. قرار مصاحبه را گذاشتیم و روز موعود، پیش از آغاز شرط هایی داشت مثل اینکه اگر نخواهد به پرسشهای پاسخ دهد اصرار نکنم، درباره پرونده های فعلی او نپرسم و گیر ندهم که از سال ۹۲ تاکنون در کدام نهاد مشغول به کار است. علاقه ای به پرداختن به محرمانه ها نداشت و زیر بار بسیاری از مسائل نمی رفت و همین محافظه کاری ها ادامه گفت وگو را سخت می کرد. هرچه باشد بیش از دو سال حضور در دادپاری شعبه اول دادرسی امنیت پایتخت که محل رجوع روزانه کارشناسان و متهمان سیاسی- امنیتی است، رفتار و کلامش را شبیه امنیتی ها کرده تا قضات. اجزا و اصول تحلیل های اطلاعاتی را می داند و هنگام پاسخ گویی درباره مسائل امنیتی سال ۸۸ شبیه کارشناسان امنیتی پاسخ می دهد تا یک دانش آموخته حقوق. علی رغم اینکه در تیم مرتضوی و مدیران سابق در قوه قضائیه تعریف می شد؛ اما علاقه ای به جدل با تیم مدیریتی جدید نداشت و اگر وارد چالش با او می شدم خیلی جدي می گفت «پاسخ من این است و نمی توانم غیر از این بگویم، پس اصرار نکنید». دلش از دکتر (پدر محسن روح الامینی) پر بود و اسمش را که می آورد دستش می لرزید. علی اکبر حیدری فرد که در ۲۸سالگی دادپار شعبه اول دادرسی امنیت تهران و اندکی پس از دو سال متهم پرونده بازداشتگاه کهریزک می شود، ناگفته های بسیاری دارد و شاید زمان بازگویی کامل آنها هنوز نرسیده است. سوزی ای که همچنان پس از هشت سال تازه و پرمخاطب است. این گفت وگو زمانی انجام شد که سعید مرتضوی هنوز در آن بیانیه معروف از خانواده جان باختگان کهریزک عذرخواهی نکرده بود اما زمان چاپ مصادف شد با حضور حیدری فرد در بند ۸ بازداشتگاه اوین؛ جایی که بسیاری از متهمان سابق او در آنجا دوران محکومیت خود را می گذرانند.

آقای حیدری فرد! بسیاری شما را با پرونده جنجالی کهریزک و به نام قاضی کهریزک می شناسند اما از سوابق و فعالیت های قبلی شما اطلاعی در دست نیست؛ از خودتان بگویید.

علی اکبر حیدری فرد هستم در ۱/۹/۵۸ در شهرستان مرودشت استان فارس در خانواده متوسط و مذهبی متولد شدم و فرزند اول خانواده هستم. دوران دبیرستان را در مدرسه سیدجمال الدین اسدآبادی مرودشت گذراندم. دانش آموزی ممتاز بودم و مسئولیت بسیج دبیرستان هم یا من بود. آن سال ها با چند همکلاسی گروهی به نام ناصحون برای امریه معروف در مرودشت تشکیل دادیم.

براساس چه ضرورتی قصد امریه معروف داشتید؟

چون در آن مقطع دختران راهنمایی و دبیرستان به دلیل فقر فرهنگی و اجتماعی مورد مزاحمت خیابانی برخی جوانان بودند. گروه خودخوانده ناصحون تصمیم گرفت با شناسایی مزاحمین توأمیس اول به صورت امریه معروف و در صورت لزوم برخورد فیزیکی انجام دهد؛ اما برخورد فیزیکی در اولویت بود.

یعنی یک گروه به اصطلاح «خودسر» راه اندازی کردید؟

بله خودسر بودیم.

موسس این گروه چه کسی بود؟

خودم.

برخورد فیزیکی هم داشتید؟

در چند مورد با افراد متظاهر به صورت گروهی از سوی ناصحون برخورد فیزیکی شدیدی



شماره 3181
پنجمین هفتم تیر ماه 1397

خدمات
سایت



پیشخوان

مجله شیمی ریاضی

متن مطالب شماره 2 (پیاپی 902)،
2018 را در magiran بخوانید.

جستجوی مطالب

کلمه مورد نظر خود را وارد کنید

جستجو در:

- همه مجلات عضو
- مجلات علمی مصوب
- آرشیو این روزنامه
- متن روزنامه های عضو

[جستجوی پیشرفته](#)

شد. از ما شکایت هم کردند اما به جایی نرسید.

چرا؟

چون اعضای گروه ما همگی عضو خانواده های وابسته به نهادها بودند و اینکه افراد مضروب شده وجهه اجتماعی خوبی نداشتند.

خانواده شما هم وابستگی به نهادها دارند؟

برخی اعضای خانواده ما عضو سپاه هستند. پدرم سال هاست که عضو بسیج است؛ هرچند کشاورزی می کند. دو نفر از برادران همسرم شهید شدند. یکی از آنها شهید علی بختیاری معاون تسلیحاتی لشکر ۱۴ امام حسین(ع) اصفهان بود. یعنی معاون تسلیحات شهید خرازی بود.

تحصیلات شما تا چه مقطعی است؟

پس از پایان دبیرستان تصمیم گرفتم به حوزه علمیه بروم و براساس همین انگیزه در مدرسه با همان حوزه علمیه حقانی قم ثبت نام کردم و به دلایلی انصراف دادم.

چرا انصراف دادید؟

تصمیم گرفتم به دانشگاه بروم. در کنکور سال ۱۳۷۷ جزء رتبه های اول شدم و رشته حقوق دانشگاه تهران را انتخاب کردم. پس از شش ماه در دو نهاد بورسیه شدم، اول دانشکده وزارت اطلاعات (امام یاقق) در رشته ضدجاسوسی و دوم هم دانشکده علوم قضایی. از تحصیل در دانشکده وزارت اطلاعات منصرف شدم.

این بار چرا انصراف دادید؟

چون هم زمان شد با دستگیری سعید امامی و مصطفی کاظمی به اتهام پرونده قتل های زنجیره ای که از هم محلی ها و هم استانی های ما بود.

انصراف شما چه ارتباطی با آنها داشت؟

یکی از آنها سفارش قبولی مرا به صورت تلفنی در دانشکده وزارت اطلاعات کرده بود.

کدام یک؟

سعید امامی سفارش کرده بود.

بنابراین در دانشکده علوم قضایی ادامه تحصیل دادید؟

بله از همان سال ۷۷ وارد دانشکده علوم قضایی شدم و با پایه ۲ قضایی بورسیه قوه قضائیه شدم. آن زمان با آقای [علیرضا] زاکانی در بسیج دانشگاه تهران هم همکاری می کردم. در سال ۱۳۸۱ هم فارغ التحصیل شدم.

۱۸ تیر ۷۸ هم با آقای زاکانی رابطه داشتید؟

در ۱۸ تیر ۷۸ من از افرادی بودم که با دانشجویان دانشگاه تهران مقابله کردم. در ۲۱ تیر آن سال علیه دانشجویان اعتشاش گر فعالیت می کردم.

از سال ۸۱ که فارغ التحصیل شدید مشغول چه کاری بودید؟

پس از فارغ التحصیلی حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبایی با رتبه ۲۰ در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و هم زمان دوره کارآموزی قضایی یک ساله را شروع کردم. در طول این دوره در پژوهشکده مطالعات راهبردی با مدیریت دکتر «ره پیک» از اعضای کنونی شورای نگهبان یک دوره مطالعات امنیتی و امنیت ملی را آموزش دیدم. همکلاسی های من اکثراً از کارشناسان وزارتخانه های اطلاعات، امور خارجه و دفاع بودند.

این پژوهشکده به کدام نهاد وابستگی داشت؟

وابسته به وزارت اطلاعات بود. از جمله استادان ما آقایان محسن رضایی، حسام الدین آشنا، علی ربیعی، ملکی و... بودند. پایان نامه ام در این دوره «بررسی سازمان های مبارزه با فساد در دستگاه قضا» نام داشت. این دوره که تمام شد از طرف آقای الیاس محمودی، رئیس وقت مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه دعوت به کار شدم و پس از گزینش آن مرکز از قوه قضائیه درخواست کردم آنجا مستقر شوم.

الیاس محمودی شما را چگونه می شناخت؟

تعدادی از کارشناسان آن مرکز که از همکلاسی ها بودند مرا معرفی کردند. البته موضوع پایان نامه هم مورد توجه قرار گرفت.

چرا چنین موضوعی را برای پایان نامه انتخاب کردید؟ آن زمان بحث فساد

چندان مطرح نبود.

چون برنامه داشتم در حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه مشغول شوم.

بالاخره مشغول شدید؟

خیر. چون گفتند نیرو کم داریم. رئیس نهاد قوه قضائیه که آن زمان آقای «شیرج» بود نظر مخالف داشت؛ چون قاضی کم داشتند.

پس اطلاعاتی نشدید و دادیار شدید.

بله. اولین ابلاغ قضایی من دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب اردبیل بود. حدود دو ماه در اردبیل کار کردم اما به دلیل عدم آشنایی با زبان ترکی به استان فارس شهرستان فسا منتقل شدم. در آنجا قاضی تحقیق بودم. دادیار شعبه اول و جانشین دادستان فسا شدم و با حفظ سمت رئیس ستاد حفاظت اجتماعی شهرستان بودم. رئیس هیئت تخلقات صنفی فسا هم شدم که مقام اول را در کشور کسب کردم.

تا چه زمانی فسا بودید؟

تا سال ۸۶ پس از آنکه در آزمون دکترای حقوق خصوصی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد پذیرفته شدم. در واقع شش ماه طول کشید تا با توصیه حضرت آیت الله بهشتی عضو مجلس خبرگان رهبری فارس که در آن دوره از انتخابات در ستاد ایشان فعال بودم، به تهران منتقل شدم.

در تهران چه مسئولیت قضایی ای داشتید؟

حدود دو ماه قاضی اظهارنظر دادسرای ناحیه ۲ بودم و سپس به شعبه اول دادسرای امنیت معاونت امنیت دادستانی تهران منتقل شدم.

چه شد که سر از دادسرای امنیت درآوردید؟

به هرحال در فضا بازپرس انقلاب بودم و در پژوهشکده مطالعات راهبردی هم دوره امنیتی دیده بودم و در دوره مبارزه با تروریسم که توسط وزارت خارجه با همکاری سازمان ملل برگزار شد، شرکت کردم. مهم تر اینکه علاقه شخصی داشتم و آقای مرتضوی مرا به آنجا فرستاد.

اولین بار چه زمانی با آقای مرتضوی آشنا شدید؟

از همان زمان کارآموزی آشنا بودم. در زمان دانشجویی هم به لحاظ شخصی به ایشان علاقه مند بودم و حتی درخواست دادم در دادسرای کارکنان دولت کارآموز قاضی مرتضوی شوم اما گفتند چون آن ناحیه امنیتی است، مخالفت می شود.

چرا به شخصی مثل قاضی مرتضوی علاقه داشتید؟

به لحاظ فکری و روحی هم تیب فکری ام بود. حتی در دوران دانشجویی هم عکس قاضی مرتضوی را بالای تخت چسبانده بودم.

ظاهراً آن موقع دادسرای امنیت پرونده های زیادی نداشت.

پرونده داشت. آن موقع با اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی متهمان شرور را در تهران به سه دسته تقسیم کردیم.

چه کسی این طرح را داد؟

به پیشنهاد مرتضوی، رادان و موافقت شورای تأمین تهران. در آن طرح پرونده متهمان درجه دو و سه که از اهمیت کمتری برخوردار بودند، در نواحی قضایی مربوطه توسط دادیاران و بازپرسان همان ناحیه بررسی می شد و پرونده متهمان درجه یک به لحاظ اهمیت کار صرفاً به شعبه اول دادسرای امنیت ارجاع می شد. ما برای نگهداری آنها از بازداشتگاه امنیتی کهریزک که با درخواست ناجا و بودجه وزارت کشور دوره آقای موسوی لاری تأسیس شده بود، استفاده می کردیم. در واقع کهریزک در زمان آقای موسوی لاری تأسیس شد و هیچ ارتباطی با آیت الله هاشمی شاهرودی و قاضی مرتضوی ندارد.

یعنی آقای موسوی لاری از اهداف ثانویه و احتمالی که از بازداشتگاه کهریزک استفاده خواهد شد، اطلاع داشت؟

هدف اولیه استفاده از کهریزک برای متهمان پرونده محله خاک سفید تهران بود. بعدها تغییر برنامه ایجاد شد که مربوط به دوره اجرای طرح امنیت اجتماعی به عنوان یک طرح ملی بود.

اما در دوره اجرای این طرح آقای موسوی لاری دیگر وزیر کشور نبود و آقای پورمحمدی این مسئولیت را در دولت احمدی نژاد برعهده داشت.

بله درست است.

می خواهم بدانم پرونده های سیاسی- امنیتی چگونه در آن دادسرا بررسی می شد؟

در دوره ای که در دادسرای امنیت بودم، پرونده های برخورد با عناصر سازمان منافقین خلق، حادثه تروریستی حسینییه رهپویان شیراز، پرونده پروژه نفوذ برادران اعلایی، فعالان حقوق زنان از جمله خانم شیرین عبادی، پرونده هیئت مدیره باران یا همان بهائیان ایران را بررسی کردم.

همه این پرونده ها را در کمتر از دو سال رسیدگی کردید؟

باز هم بودند. مثل پرونده های مربوط به فرقه های ضاله و گروه های عرفانی رام الله و انجمن پادشاهی ایران. بخش اقتصادی پرونده کرسنت را هم من رسیدگی می کردم. این پرونده کلاً چهار بخش داشت که بخشی از آن در دادسرای امنیت، بخشی در دادسرای ویژه اقتصادی و دیگری هم در کارکنان دولت رسیدگی می شد که در نهایت با تصویب معاونت اقتصادی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تجمیع شدند.

ارتباط دادسرای امنیت با نهادهای امنیتی چگونه بود؟

در تمام دوران خدمت ارتباط صمیمانه، برادرانه و تنگاتنگی با نهادهای اطلاعاتی و امنیتی داشتیم. این ارتباط نه به معنای تبعیت بلکه به معنای مبارزه مشترک در جهت منافع انقلاب بود.

آنها چقدر در دادسرای امنیت صاحب اثر بودند؟

تمام نهادهای امنیتی، ضابط قضایی هستند و گزارش آنها در صورتی مینا واقع می شود که مورد توثیق قاضی باشد. نهادهای امنیتی به لحاظ اینکه در تهیه گزارش ها اعم از جمع آوری، تجزیه و تحلیل، برآوردهای اطلاعاتی و منابعی که استفاده می کنند، متکی به سازوکارهای دقیق، موثق و کارآمد هستند. به طور قطع و حتم ضرب اطمینان و اعتماد به گزارش های آنها و به لحاظ سلامت نفس نیروهایی که در این نهادها عمل می کنند در بالاترین حد ممکن است تا جایی که هیچ گونه شبهه ای ایجاد نمی شود. اگر اختلافی هم هست بر سر تفسیر رفتار منتسب به متهم از حیث انطباق با عمل مجرمانه است نه اختلاف بر سر اقدام کردن یا نکردن یا وقوع یا عدم وقوع عمل انتسابی.

از جایی سفارش کیفرخواست هم داشتید؟

من هر کاری کردم با بررسی، تحقیق، ادله و مستندات بود؛ منتها مبنای استدلال های سازمان های اطلاعاتی به لحاظ ضریب بالای کارشناسی و صحت نفس نیروهای عمل کننده به طور حتم مورد قبول واقع می شود.

اگر متهمی اعلام می کرد تحت شکنجه یا فشار جسمی- روحی قرار گرفته تا اعتراف کند، چگونه صحت یا عدم صحت آن را بررسی می کردید؟

ادعاهای اقرار تحت فشار تاکنیک معمول همه متهمان است اما اگر دلایلی بود چون در برابر وجدان خود مسئول بودم، می پذیرفتم و بارها سر همین موضوع با کارشناس مربوطه

به اختلاف خوردیم و متهم را برخلاف نظر کارشناس اطلاعاتی آزاد کردم چون احساس می کردم به او اجحاف شده است.

ناگهان شما پس از این پرونده ها در برابر حوادث سال ۸۸ قرار گرفتید.

اول بگویم بنده در سال ۸۸ عضو ستاد انتخاباتی هیچ نامزدی نبودم و حتی قاضی ناظر بر انتخابات هم نبودم. در بهدازظهر ۲۲ خرداد ۸۸ به اتفاق مجتبی علم الهدی که از دوستان بنده است و روحانی، در حال عبور از حوالی میدان ونک بودیم که مشاهده کردم همه معاره ها و تاسیسات عمومی توسط عده ای نزدیک به هزار نفر در حال تخریب است. برجسب و طبقه به عنوان قاضی کشیک وقت و دادیار شعبه اول دادرسی امنیت در کنار ماموران سعی در آرام کردن فضا کردم؛ چون از علت وقوع درگیری بی خبر بودم. در نهایت حدود ۵۰ نفر دستگیر شدند که بلافاصله پس از آرامش آن منطقه آنها را آزاد کردیم.

قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ آماده باش نبودید؟

بودیم، این رویه معمول هر انتخاباتی است که قبل از آن، شعب اخذ رای، دستگاه قضائی، ناجا و نیروهای اطلاعاتی آمادگی مقابله با اغتشاش و ناآرامی را داشته باشند.

می خواهید بگویید دستور بازداشت فعالان و اعضای ستادها بعدا صادر شد؟

نه! اما در ۲۴ خرداد ۸۸ درگیری ها شروع شد و حکم دستگیری بسیاری از فعالان سیاسی را بنا بر درخواست مراجع امنیتی صادر کردیم.

چرا؟

چون به جای آرام کردن فضا با صدور بیانیه سعی در تشکیک در نتیجه انتخابات و دعوت مردم به اردوکنشی خیابانی کردند.

مصادق بیاورید.

مصادقش همان بیانیه های صادرشده توسط شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب و حزب مشارکت بود که از واژه «کودتای سفید» در مقابل عمل نیروهای انتظامی و اطلاعاتی در حفظ امنیت عمومی استفاده کردند.

در همه جای دنیا حتی کشورهای دموکراتیک غربی، نتیجه انتخابات در مواقعی مورد اعتراض قرار می گیرد؛ اما اقدام علیه امنیت ملی تلقی نمی شود.

ببینید در تاریخ ۲۴ خرداد مقام معظم رهبری نتیجه انتخابات را تایید و معترضان را دعوت به پیگیری مطالبات از طریق قانونی کردند؛ همچنین براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی وضعیت امنیتی تهران به دلیل اقدامات مخرب معترضان قرمز شد. از طرفی شبکه های ماهواره ای و رسانه های معاند به صورت هدفمند در مقابل خواست مسئولان کشور درباره تایید انتخابات به میدان آمدند. در نتیجه تغییرات ایجادشده در فضای امنیتی کشور، تعریف ما از رفتار معترضان و افرادی که دست به خشونت های خیابانی می زدند تغییر و اقدامات آنها اقدام علیه امنیت ملی تلقی شد.

واقعا نظر شخصی خود شما در آن زمان چه بود؟

به اعتقاد شخصی من نظر مقام معظم رهبری در هر زمینه ای فصل الخطاب و در عین عمل به دستور رسول اکرم(ص) و امام معصوم است و مخالفت با آن مخالفت با امام معصوم و مشمول مجازات مقرر شرعی در قبال آن است.

به یاد می آورم گفته شد تاریخ صدور بازداشت برخی فعالان سیاسی مربوط به ۱۹ خرداد ۸۸ بوده است؛ چرا احکام بازداشت ها پیش از شروع اعتراضات صادر شدند؟

چون این موضوع یک عقبه دارد؛ با توجه به اینکه طرفداران موسوی و اصلاح طلبان و حتی اپوزیسیون داخل کشور که در پوشش اصلاح طلبی فعال هستند شش ماه قبل از انتخابات با تشکیل کمیته صیانت از آراء، مصاحبه ها، مقاله ها و سخنرانی ها و جلسات محفلی به هر قیمت ممکن با سوءاستفاده از انتخابات به عنوان ابزار پیروزی دموکراتیک بلکه به عنوان ابزار ایجاد فشار و تغییرات در راستای تغییر ماهیت نظام تلاش می کردند. در محافل خصوصی خود نهادهای رسمی و اصول بنیادین نظام در زمینه های مختلف از جمله سیاست خارجی را مورد حمله گسترده قرار داده بودند.

می خواهید بگویید انتقاد اصلاح طلبان در آن سال ها از سیاست خارجی دولت و رفتار انتخاباتی اعضای برخی نهادهای رسمی در حمایت از یک کاندیدای خاص نزدیک به جریان اصولگرا حرم تلقی شد؟

آنها دنبال جریان سازی بودند و نهادهای اطلاعاتی ایران عملکرد این افراد را قبل از انتخابات رصد می کردند. از جمله همین افراد تاثیرگذار آقای تاج زاده بود که در سخنرانی های رسمی خود به نهادهای حاکمیتی حمله و آنها را تخطئه می کرد.

به همین دلیل حکم بازداشت او صادر شد؟

کنترل امنیتی آقای تاج زاده قبل انتخابات به لحاظ اقدامات ضدامنیتی درست بوده اما حکم دستگیری بعد از انتخابات سال ۸۸ صادر شد.

اما این موضوع آن زمان تکذیب نشد...

می توانم بگویم تنها حکم بازداشت قبل از انتخابات که آقای مرتضوی داده بود، حکم دستگیری عام خطاب به نیروی انتظامی بود.

تا همه را بگیرند؟

نه! درواقع منی بر اینکه در صورت مشاهده اقدامات مخرب و ضدامنیتی در مقابل ستادهای انتخاباتی و مراکز رای گیری با توجه به مشهودبودن جرم، ضابطین به وظیفه خود عمل کنند.

این یعنی حکم سفیدامضا؟

نه، کلی است. در همه انتخابات ها معمول است و به ماموران اختیار می دهند اگر کسی تجمع کرد طبق قانون عمل کنند.

همان حکم سفید امضاست؟

خبر! اصلا وجود ندارد.

فعالان ستاد مهندس موسوی در ستاد فبطریه چرا بازداشت شدند؟

اعضای ستاد فبطریه به علت اقدامات مخرب عبدالله رمضان زاده بازداشت شدند.

کدام اقدامات؟

رمضان زاده اقدام به جمع آوری افراد مشکوک و مخل امنیت در داخل آن ستاد کرده بود و دست به تحریکات امنیتی زده بود.

مثلا چه تحریکاتی؟

از جمله طرح شعارهای تشکیک در سلامت انتخابات که اطلاعات ناجا خواستار بازرسی از آن محل شد. آقای رمضان زاده مقاومت کرد و پس از برخورد فیزیکی، ایشان دستگیر و محل هم بازرسی شد.

چرا پرونده افرادی چون تاج زاده، بهزاد نبوی، رمضان زاده و... در اختیار وزارت**قرار نگرفت؟**

زیرا افراد شاخصی که قبل از انتخابات از طریق سخنرانی، جلسه، محافل خصوصی یا ارتباط با خارج کشور درصد اقدامات ضدامنیتی در دوره انتخابات بودند، بنا بر صلاحیت های ذاتی و اختیارات قانونی توسط سازمان اطلاعات سپاه رصد می شدند و پس از انتخابات وقتی که برخوردها ضرورت یافت به دلیل سابقه تحقیقات قبلی در سازمان اطلاعات سپاه بازداشت ها توسط آن نهاد صورت گرفت.

سابقه تحقیقات قبلی یعنی چه؟

کلید اقدامات اطلاعاتی و رصدهای امنیتی.

برویم سراغ پرونده معروف کهریزک که شما قاصی آن بودید. از کهریزک**بگویید...**

بنده طبق گزارش سازمان بازرسی کشور که در پرونده کهریزک ضمیمه است، پس از بررسی دو هزار و ۷۰۰ پرونده که به طور مشخص توسط بنده رسیدگی شده بود تایید شد که ۸۰ درصد آنها پس از چند روز دستگیری و پالایش امنیتی با قرار کفالت، کمتر از بیست درصد با وثیقه و مابقی که متهمان امنیتی بودند، بازداشت موقت شدند. در تمام طول سال ۸۸ که مسئولیت قضائی داشتم، متهمان بازداشت شده توسط اطلاعات ناجا، اطلاعات سپاه یا وزارت اطلاعات را بازجویی می کردم و به هیچ متهمی توهین نکردم و برخورد توأم با خشونت نداشتم. کرامت انسانی آنها را رعایت می کردم و همواره سعی داشتم با ارشاد متهمان آنها را قانع و به عدم تکرار اقدامات خود مجاب کنم.

ظاهرا قبل از کهریزک هم سابقه صدور دستور بازداشت دسته جمعی را**داشته اید؛ مثلا در دانشگاه تهران.**

سال ۸۸ پس از سخنرانی ۲۲ خرداد احمدی نژاد، افراد غیر دانشجوی در دانشگاه تهران تجمع و با سوءاستفاده از وضعیت خوابگاه اقدام به طرح شعارهای ضدنظام و کتک کاری چند نفر از پرسنل ناجا کرده بودند. در همین اثنا افرادی که پس از سخنرانی احمدی نژاد به سمت دانشگاه تهران می آمدند و عده ای از پرسنل ناجا در اثر تحریک انجام شده توسط افراد دانشجویی داخل دانشگاه تهران با هدف آزادی سربازان در حال کتک خوردن به داخل دانشگاه هجوم بردند اما متهمان اصلی متواری و متاسفانه حدود یکصد نفر از دانشجویان که در خوابگاه مشغول مطالعه بودند و عموما هم شهرستانی بودند به اشتباه کتک خوردند و دستگیر شدند.

افراد غیر دانشجوی چگونه وارد دانشگاه شده بودند؟ مگر می شود؟!

نمی دانم اما دانشجویان دستگیر شده که وضعیت بفرنجی داشتند به آگاهی شاپور منتقل شدند. بنده ساعت ۱۷ همان روز آنجا حاضر شدم آقای [علیرضا] زاکانی و دکتر [فرهاد] رهبر هم آمدند. با بررسی وضعیت ظاهر دانشجویان متوجه شدم آنها دخالتی در درگیری نداشتند.

چطور از ظاهر آنها متوجه شدید؟

همه شهرستانی بودند و با لباس زیر بازداشت شده بودند و در خوابگاه مشغول مطالعه یا آشپزی بودند. آقای زاکانی تقاضای رسیدگی به وضعیت آنها را داشت و آقای رهبر هم برای وساطت آمده بود.

در نهایت با آنها چه برخوردی شد؟

بنده حدود ۱۰ دقیقه برای دانشجویان سخنرانی کردم و گفتم شما اشتباهی دستگیر شده اید و من عذرخواهی می کنم. توضیح دادم آقای رهبر هم حضور دارند و با توجه به وساطت ایشان و حضور آقای زاکانی همه شما آزاد می شوید. همه هم خنثین بودند. برای آنکه با آن وضع به خوابگاه نروند و علیه نظام تبلیغ نشود، برای همه آنها لباس، آب معدنی و ساندویچ کالباس خریدیم. همه لباس ها تکه پاره بود. آب و غذا دادیم و با دو اتوبوس، از زیر قرآن آنها را رد کردیم.

به همین راحتی؟

بله. البته پس از آنکه اوراق بازجویی را تکمیل و مشخصات آنها پر شده بود. برای حفظ آبروی نظام از همه آنها خواهش کردم به هیچ کسی چیزی نگویند.

البته فیلمی که از آن غانله پخش شد، نشان می داد عده ای از دانشجویان**توسط برخی عوامل و لباس شخصی ها به شدت کتک می خوردند.**

مردم دانشجویان را زده بودند و هیچ کدام از عوامل ناجا و بسیج دخالت نداشتند.

پس فیلم چه می گوید؟

پس از این قضیه حفاظت اطلاعات سپاه چهار نفر از مسئولان پایگاه های بسیج اطراف دانشگاه تهران را بازداشت کرد. من همه آنها را یک شب بازداشت کردم و پس از تحقیق متوجه شدم بی گناه هستند و آنها را آزاد کردم.

با خانم های بازداشت شده در سال ۸۸ چگونه رفتار می شد؟

زنایی که در طول اغتشاشات بازداشت شده بودند را آزاد کردم. چون من به اعتماد داشتند بازجویی و تحقیق از آنها برعهده من بود. آنها را که کنکور داشتند در درخواست آقای آوایی طرف یک شب بدون ضمانت در شب کنکور آزاد کردم که حدود ۶۰ خانم بودند. جناب آقای آوایی در طول ایام اغتشاشات همواره ناپید و اصرار داشتند حقوق شهروندی دستگیرشدگان رعایت شود. دغدغه رعایت حقوق متهمان را به صورت جدی داشتند و پیگیری این امر بود.

ظاهرا روزهای پرکاری داشتید...

راستش سخت ترین روز کاری ام ۲۹ خرداد سال ۸۸ بود که تا فردای آن هزارصد نفر بازداشت شدند که حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر را به تنهایی آزاد کردم و ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر را با صدور قرار، بازداشت کردم که در اوین، بازداشتگاه پلیس پیشگیری و چند بازداشتگاه امنیتی دیگر که نمی توانم بگویم، نگهداری می شدند.

کسی هم بود که حاشیه امنیت داشته باشد و بازداشت نشود؟

بله: براساس توافقی که با قاضی مرتضوی داشتم و شرطی که برایش گذاشته بودم، در دوران دستگیری های سال ۸۸ هیچ فرزند شهیدی را بازداشت نکردم.

برگردیم به پرونده کهریزک، درباره شروع و منشا بازداشت های تیر ۸۸ که منجر به بازداشت معترضان و انتقال گروهی از آنها به بازداشتگاه کهریزک شد، بگویید.

سه روز قبل از ۱۸ تیر ۸۸ هیچ اغتشاش ضدامنیتی در تهران نداشتیم. به بهانه آلودگی هوا تهران تعطیل بود و همه مسیرهای تهران به شمال برای تخلیه جمعیت یک طرفه شد. همه تدابیر امنیتی اعم از حضور پلیس، عملیات روانی صداوسیما، مذاکره سیاسی در سطح نخبگان و... حول محور یک اصل بود و آن هم عدم تکرار مطلق اغتشاش.

چرا عدم تکرار مطلق اغتشاش این قدر اهمیت داشت؟

چون پس از یک ماه از زمان اغتشاشات تداوم آن باعث عمیق ترشدن لایه های این اقدامات ضدامنیتی و گسترش آن به لایه های دیگر بود و کشور را در آستانه یک چالش گسترده امنیتی قرار می داد.

به نظرتان تمهیدات دستگاه های امنیتی و حاکمیتی موثر افتاد؟

در طرف مقابل در طول یک هفته منتهی به ۱۸ تیر همه شبکه های ماهواره ای فارسی زبان و شبکه های اجتماعی در فضای مجازی که به عنوان ستاد عملیات روانی فتنه عمل می کردند، تمرکز خود را بر انجام حتمی اغتشاش در ۱۸ تیر ۸۸ با هدف تکرار دوباره آن قرار داده بودند. مجاهدین خلق، ریح پهلوی، وزارت خارجه های اسرائیل و آمریکا و تمام معاندان در بیانیه هایی فراخوان حضور در ۱۸ تیر ۸۸ دادند و مردم را تحریک به حضور کردند. همه مسئولان امنیتی مانند وزیر اطلاعات، دادستان کل کشور، فرماندهان ناجا و سپاه و دادستان تهران و حتی رسانه ها ضمن روشننگری خواستار عدم تکرار اغتشاش در ۱۸ تیر بودند.

پس چرا در ۱۸ تیر ۸۸ آن حوادث روی داد؟

حدود ۲۰ هزار نفر از نیروهای امنیتی محوطه های قرمز و محیط های احتمالی را پوشش دادند، اما بعدازظهر آن روز گروهی که حدود چهار یا پنج هزار نفر مجهز به کوله پشتی، سنگ، چغیه، وسایل آتش را برای مقابله با گاز اشک آور، دهان بند، وسایل فیلم برداری و بعضا چوب یا سلاح سرد بودند، ظاهر شدند، آنها در خیابان های منتهی به دانشگاه تهران با نیروهای امنیتی درگیر شدند. شرایط پیرامونی دانشگاه تهران به شکلی بود که در آن ساعت ها هیچ گونه حرکت عادی از قبیل خانه عمه یا خاله را توجیه نمی کرد و هرگونه حضور به معنای حمایت و حضور در اغتشاش بود که در نهایت درگیری ایجاد شد و ۱۲ مامور ناجا مجروح و ۷۰۰ نفر دستگیر شدند.

می خواهید بگویید چهار، پنج هزار نفر سازماندهی شده بودند؟!

به هر حال به قصد درگیری آمده بودند.

چه نیرویی می تواند در پایتخت ایران این جمعیت را برای اغتشاش سازماندهی و هدایت کند؟!

شبکه های اجتماعی مجازی و کانال های ماهواره ای.

می توانم از صحبت های شما استنتاج کنم که دستگیری لیدرهای اصلاح طلب تأثیری در ادامه اعتراض های مردم در مواقعی مثل ۱۸ تیر ۸۸ با پس از آن نداشت.

با توجه به دستگیری اکثر شخصیت های سیاسی موثر اصلاح طلب و شورای مرکزی احزاب آنها این حضور در ۱۸ تیر ۸۸ ناشی از یک برنامه ریزی ساختاری و ستادی قدرتمند درون نظام نبود و شبکه های اجتماعی نقش اول را داشتند.

سرنوشت آن ۷۰۰ نفر بازداشت شده ۱۸ تیر ۸۸ چه شد؟

بنده تا ساعت ۱۲ شب حدود ۴۰۰ نفر را پس از پالایش اولیه آزاد کردم و در ۱۹ تیر از ۲۷۰ نفر باقی مانده بنا به تشخیص شخصی خودم به آن دلیل که در اوین فضای مناسب برای نگهداری آنها موجود نبود، پس از رایزنی با مسئولان کهریزک و تهیه فضای مناسب، ۱۴۰ نفر به بازداشتگاه کهریزک و ۱۴۰ نفر را به اوین اعزام کردم که متاسفانه پس از پنج روز سه نفر از آنها به علت شرایط نگهداری و بدرفتاری های انجام شده فوت کردند.

ادعا می کنید خودتان دستور اعزام آن ۱۴۰ نفر را به کهریزک داده اید. از گوشه و کنار شنیده می شود آقای مرتضوی به صورت شفاهی از خانواده کشته شدگان طلب جلالیت کرده و ممکن است به صورت سرکشاده هم نامه ای برای عذرخواهی منتشر کند.

من عذرخواهی احتمالی مرتضوی از باب توبه درباره عملکرد خودم را بدون نتیجه و فاقد آثار حقوقی می دانم.

چرا؟

واضح است؛ چنانچه ایشان بنا بر اظهارات خود در تاریخ های ۱۸ و ۱۹ تیر در مرخصی بوده و با تأیید بنده و اظهارات خودش هیچ نقشی در اعزام متهمان دستگیر شده به کهریزک نداشتند، پس توبه یا عذرخواهی درباره عملکرد دیگران فاقد معنی و آثار شرعی و حقوقی است، بنده تمامی مسئولیت های اعزام آن افراد به کهریزک را پذیرفته و می پذیرم که آقای مرتضوی هیچ نقشی در آن نداشته است.

حاضر به اعلام توبه از آن دستور اعزام هستید؟

من به وظیفه خودم در دفاع از نظام و حریم ولایت عمل کرده ام، البته ضمن ابزاز همدردی دوباره با خانواده داغ دیدگان بازداشتگاه کهریزک و اظهار تأسف از اقدام انجام شده و عذرخواهی از محضر مقام معظم رهبری و طلب بخشش از ایشان به دلیل آنکه معتقدم به وظیفه ام عمل کرده ام و خطایی از من سر نزده است، نه تنها خودم اعلام توبه نمی کنم، بلکه توبه احتمالی آقای مرتضوی را هم فاقد آثار حقوقی و شرعی می دانم

گفته می شود گزارشی هم از وضعیت آن بازداشتگاه تهیه شده بود که اصرار داشته اعلام کند وضعیت آنجا چندان هم بعرج نبوده است.
آن گزارش را خودم تهیه کردم، از ۱۶ متهم کهریزک که آزاد شده بودند بازجویی کردم، همگی گفتند هیچ مشکلی نبوده و مورد ضرب و شتم قرار نگرفته اند. در نهایت گزارش را به آقای مرتضوی دادم.

آقای حدیثی فردا به نظرتان اگر فرزند آقای روح الامینی در جمع کشته های بازداشتگاه کهریزک نبود این پرونده چنین ابعاد گسترده و دامنه داری پیدا می کرد؟

خیر؛ اگر می دانستم پسر آقای روح الامینی در آن جمع است بی بروبرگشت او را به احترام پدرش آزاد می کردم، هرچند این حرفم به لحاظ حقوقی درست نیست، معتقدم روح الامینی فردی انقلابی است که به لحاظ سوابق و خدماتی که داشته مستحق این بود که درباره فرزندش به او کمک و آبرویش حفظ شود. اما فرزندش زمان بازجویی هویت خود را کتمان کرده بود، با وجود دانشجوی بودن در برگه بازجویی نوشته بود دیپلم دارم و بی کار هستم.

چرا؟

برای حفظ آبروی پدرش، من به شخصه برای پدرش احترام قائلم و خودم را مانند محسن روح الامینی فرزند معنوی ایشان می دانم، اما رفتار آقای روح الامینی را در پیگیری پرونده کهریزک و شکایت علیه ما به این دلیل که پرونده به ابزار تبلیغ علیه نظام تبدیل شده بود، برخلاف منافع نظام می دانم.

یعنی چه؟! می فرمایید کسی که فرزندش کشته شده از خون او بگذرد؟! اجازه بدهید توضیح دهم.

به عنوان نمونه دکتر روح الامینی در همان سال تعدادی از اعضای خانواده دیگر کشته های کهریزک را نزد آیت الله جوادی آملی برد تا جلسه ای داشته باشند. آیت الله جوادی آملی پیشنهاد گذشت و رضایت دادند. اما آقای روح الامینی محتوای جلسه را مطبوعاتی کرد و به نقل از آقای جوادی آملی گفت: «از عاملین و مباشرین بگذرید اما از آمرین نگذردید...». همین مسئله نشان دهنده پیگیری سیاسی و جهت دار پرونده از سوی ایشان بود.

کجای این مسئله تبلیغ علیه نظام است؟! بگذارید بگویم؛ خب ایشان از همان ابتدای اطلاع از فوت فرزندش همراه آقایان احمد توکلی و امیدوار رضایی که آن زمان رئیس کمیسیون بهداشت مجلس بود، به محل سردخانه رفتند و جسد را معاینه کردند. در آن شرایط فتنه که انتشار اخبار کشته شدن مردم یا زندانیان از سوی مأموران باعث تحریک مردم و تبلیغ علیه نظام بود با استفاده از رابطه دوستی خود با آقای عزت الله ضرغامی، خبر فوت فرزندش را رسانه ای کرد و به طور مکرر موضوع کهریزک را در رسانه ها زنده نگه داشت و زمینه طرح مسائل مختلف و پروپاگاندای رسانه ای در سطح وسیع فراهم شد.

بگذارید بگویم؛ خب ایشان از همان ابتدای اطلاع از فوت فرزندش همراه آقایان احمد توکلی و امیدوار رضایی که آن زمان رئیس کمیسیون بهداشت مجلس بود، به محل سردخانه رفتند و جسد را معاینه کردند. در آن شرایط فتنه که انتشار اخبار کشته شدن مردم یا زندانیان از سوی مأموران باعث تحریک مردم و تبلیغ علیه نظام بود با استفاده از رابطه دوستی خود با آقای عزت الله ضرغامی، خبر فوت فرزندش را رسانه ای کرد و به طور مکرر موضوع کهریزک را در رسانه ها زنده نگه داشت و زمینه طرح مسائل مختلف و پروپاگاندای رسانه ای در سطح وسیع فراهم شد.

یعنی هر موضوعی که ارزش خبری داشته باشد و به نوعی تلخ باشد تبلیغ علیه نظام محسوب می شود؟

ایشان به این موضوع علم داشتند که پرونده کهریزک یکی از دلایل صدور قطع نامه علیه جمهوری اسلامی ایران به اتهام نقض حقوق بشر در سازمان ملل شده است.

آیا پس از شدن موضوع بازداشتگاه کهریزک و آغاز واکنش ها اضطراب پیدا کردید؟

بله؛ اما چون خودم را مقصر نمی دانستم و حس می کردم انجام وظیفه کرده ام، نگران نتیجه نبودم.

ظاهراً در مراحل اولیه رسیدگی قضائی به پرونده کهریزک همه چیز به نفع منتهان بود.

در شعبه ۱۳ دادسرای کارکنان دولت پس از حدود یک سال و نیم بررسی پرونده، درباره ما قرار منع تعقیب صادر شد. بازپرس آن شعبه حجت الاسلام مقدم یکی از قضات متدین، انقلابی و شناخته شده دستگاه قضا بود، اما پرونده با اعتراض آقای روح الامینی به شعبه ۱۰۶۰ کارکنان دولت ارجاع داده شد. پس از شش ماه قاضی پرونده تغییر کرد و فردی به نام «آزمایش» به ریاست شعبه ۱۰۶۰ رسید که در اولین جلسه رسیدگی به پرونده حتی مطلع نبود آقای سعید مرتضوی زمانی دادستان تهران بوده است!

مگر می شود؟

بله؛ پس از اینکه از او درخواست تعیین تکلیف کردیم اعلام کرد «من محسن روح الامینی را احضار و درباره پرونده از او تحقیق می کنم». پاسخ دادم این سه نفر فوت کرده اند و تازه متوجه شد معترضان به این پرونده اولیای دم هستند و در نهایت با صدور یک دادنامه ۳۶ صفحه ای بر از الفاظ موهن و غیرحقوقی که بریده اخبار جرایم بود، قرار منع تعقیب ما را نقض کرد و پرونده به شعبه ۷۶ کارکنان دولت ارجاع داده شد.

علت نقض قرار قبلی چه بود؟ اعمال نفوذ شده بود؟

نقض قرار منع تعقیب ما ناشی از هیچ گونه اعمال نفوذی نبوده، بلکه صرفاً متکی به

بی تدبیری و ضعف دانش آقای آزمایش، رئیس شعبه ۱۰۶۰ کارکنان دولت بود که پس از صدور آن قرار هم فوری خود را بازخرید کرد.

پس از اظهار ناسف مقام معظم رهبری نسبت به بازداشتگاه کهریزک و حواشی آن شما که خود را مدافع حریم ولایت می دانید چه حسی داشتید؟
مجددا تاکید می کنم قول، فعل و نظر مقام معظم رهبری در حکم قول و فعل معصوم است و ایشان هرگونه نظر و تصمیمی که درباره این پرونده داشته باشند، به ایده منت می پذیریم، اما توجه کنید مقام معظم رهبری نگفتند متهمان پرونده را محکوم کنید، بلکه گفتند اگر کسی تخلف کرده به آن رسیدگی شود که همین طور هم شد و متهمان نظامی و قضائی پرونده کهریزک محاکمه و مجازات شدند.

خود را مقصر می دانید اما نمی دانم چرا حاضر به اعلام توبه نیستید.
بنده حکم صادرشده از دستگاه قضا را قبول دارم، چون به عدالت، استقلال و سلامت قوه قضائیه اعتقاد دارم. در واقع با توجه به اینکه احکام قضائی فصل الخطاب است، صرف نظر از اینکه منطبق با حقیقت باشد یا نباشد باید مطیع قانون بود. اما بنده درباره پرونده کهریزک خودم را بی گناه می دانم، اما به حکم قانون تمکین می کنم.

می خواهم بدانم رفتار خانواده کشته شدگان کهریزک با شما در طول روند رسیدگی به پرونده چگونه بود؟
بنده برای جلب رضایت خانواده روح الامینی دو نفر از سرداران سپاه و مسئولان سازمان اطلاعات سپاه را واسطه کردم.

واسطه ها چه کسانی بودند؟
آقای سردار مجید حسینی که آن زمان جانشین آقای طائب در سازمان اطلاعات سپاه و سردار رحیمی، معاون آقای محسن رضایی در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت و جانشین تاجا در دوره آقای قالیباف واسطه های بنده بودند. آقای سالک که اکنون نماینده اصفهان در مجلس هستند هم محبت کردند و صحبت کردند.

نتیجه چه شد؟
آقای روح الامینی این وساطت ها را نپذیرفتند. پدر و مادرم را یک هفته با دردست داشتن قرآن هر روز صبح به خانه آقای روح الامینی می فرستادم، اما باز نپذیرفت. به وکیل آقای روح الامینی پیشنهاد دادم با توجه به اینکه موضوع کهریزک ابزار تبلیغ علیه نظام شده، بنده حاضر تمامی مسئولیت های شرعی، قانونی و حقوقی فوت فرزند ایشان را بر عهده بگیرم و مجازات و حتی در صورت لزوم قصاص شوم، اما از ادامه پیگیری در سطح رسانه ها برای حفظ آبروی نظام خودداری شود؛ اما آقای روح الامینی نپذیرفت.

چه شد که خانواده جوادی فر رضایت دادند؟
از طریق یکی از بستگانم که اهل امل است با خانواده جوادی فر تماس گرفتم و همراه چند نفر به منزل آنها رفتم، دست پدرش را بوسیدم، معذرت خواهی کردم و اوضاع زندگی ام را شرح دادم. آقای جوادی فر با سعید مرتضوی در تهران جلسه ای گذاشت و بعد در دادگاه اظهار کرد «هدف از برگزاری دادگاه، خون خواهی از فرزندان ما نیست، بلکه احساس می کنم دادگاه برای تسویه حساب سیاسی تشکیل می شود؛ بنابراین من از ادامه شکایت انصراف می دهم». آقای روح الامینی در پیگیری پرونده به صورت مستقل عمل نمی کرد، بلکه تحت تاثیر تصمیم های افرادی بود که آن جمع اهدافی غیر از خون خواهی فرزند روح الامینی داشتند؛ مثل برخی نمایندگان مجلس هشتم که مستندات دارم یکی از آنها درباره کهریزک بیش از ۲۰۰ مصاحبه با رسانه ها داشت.

کدام نماینده؟

مثلا آقای تجری.

یکی از مجازات های شما تعلیق موقت از فضاوت است. این محرومیت برای یک قاضی چه احساسی دارد؟

من در زمان خودم از موفق ترین قضات بودم. دکترای حقوق داشتم و دو جلد کتاب به نام های «تعدیل قرارداد توسط قاضی» و «تئوریست شناسی» چاپ کردم. تا زمان انجام وظیفه با سلامت نفس، تدین و پشتکار فعالیت می کردم. حکم تعلیق از فضاوت برای بنده به منزله نابودی زندگی شخصی و حیات اجتماعی ام بود و مسیر زندگی ام را عوض کرد.

فکر می کردید روزی قاضی مرتضوی با آن همه اسم و رسم و سابقه دچار چنین وضعیتی شود؟

ببینید، دادستانی تهران بعد از رئیس قوه قضائیه تاثیرگذارترین مقام قضائی کشور است و به لحاظ نوع وظایف و اختیاراتی که دارد مورد اعتماد تمام ارکان نظام است و با همه مسئولان نظام ارتباط دارد. من به هیچ عنوان تصور نمی کردم مرتضوی دچار چنین مخاطره ای شود. البته به یاد دارم در روزهای آخر حضور مرتضوی در دادستانی تهران، از طرف دولت دهم به ایشان وزارت دادگستری را پیشنهاد دادند؛ اما آقای رحیم مشایخی با حضور مرتضوی در دولت مخالفت کرد.

چرا؟

معتقد بود حواشی مرتضوی زیاد است.

قوه قضائیه در برابر خدماتی که شما، آقای مرتضوی و قاضی حداد ارائه کرده بودید، چه دفاعی از شما کرد، در موضوع پرونده کهریزک؟

اولا همه در برابر قانون برابر هستیم و مصونیتی وجود ندارد؛ اما در قضیه کهریزک به لحاظ اینکه فشار افکار عمومی، رسانه ای و پیگیری های سیاسی خارج از دستگاه قضا که عمدتا در مخالفت با مرتضوی بود، باعث شد از هرگونه حمایت قضائی محروم شویم. دوم اینکه مزید بر این قضیه مامور به خدمت شدن آقای مرتضوی به دولت بود که بزرگ ترین مانع در حمایت دستگاه قضا از ما شد.

وقتی پرونده و روند رسیدگی به آن آغاز شد، لابی هم کردید؟
(مکت زیاد). لابی نکردیم به این دلیل که تصور نمی کردیم نتیجه پرونده به این شکل رقم بخورد. درواقع آن اوایل برایم اهمیت چندانی نداشت.

به نظر می رسد پس از پایان دوره آقای شاهرودی در قوه قضائیه در سال ۸۸ و آغاز ریاست آقای لاریجانی بر قوه قضائیه، تیم جدید قوه جندان بی تمایل به همکاری نکردن با تیم مرتضوی نبود...

به طور قطع با تغییر مدیریت دستگاه قضا و حساسیت جایگاه دادستانی تهران لازم بود شخص دیگری که با رئیس قوه هماهنگ است، مسئولیت دادستانی را عهده دار شود. البته مرتضوی پس از آن معاون دادستان کل کشور شد؛ اما خودش مایل به ماندن در دستگاه قضا نبود.

شما در جریان فیلمی که آقای مرتضوی به صورت مخفیانه ضبط کرد و احمدی نژاد در مجلس نهم در جریان استیضاح وزیر رفاه وقت بخش کرد، بودید؟
من دم در ایستاده بودم و آن فیلم واقعیت ندارد. در آن زمان در اتاق آقای مرتضوی حضور داشتم و اطلاع دارم مورد اشاره غیرواقعی و ساختگی است و شاهد آن بودم.

چطور واقعیت ندارد؟ همه چیز آنجا طبیعی است.

به آن نحوی که احمدی نژاد منعکس کرد و مسائلی که به فاضل لاریجانی منتسب شد، واقعیت ندارد و کذب محض است و این موضوع صحت ندارد.

پس واقعیت چیست؟

فاضل در این زمینه مرتکب هیچ عمل مجرمانه و سوئی نشد.

ماجرای تیراندازی شما در پمپ بنزین در شهر اصفهان چه بود؟

فروردین سال ۱۳۹۱ به همراه سه نفر مشغول عبور از اصفهان بودیم. من در سمت شاگرد خواب بودم. راننده مشغول رانندگی بود که در صحنه ای برای جلوگیری از برخورد با ماشین جلو ترمز می کند. خودروی پشت سر که یک BMW با پنج سرنشین مست بود، پشت ماشین ما ترمز می کند و بعد هم به نشانه اعتراض خودروی ما را متوقف می کند. فحش ناموسی می دهند. من وقتی از خواب بیدار شدم، دیدم خودرو تخریب شده و راننده در حال کتک خوردن است. چند آجر هم به سمت من پرتاب کردند و بنده هم با سلاح مجوزدار برای حفظ جان خود و همراهانم چند تیر هوایی شلیک کردم و درحال حاضر از آنها رضایت گرفتم.

پس در پمپ بنزین درگیر نشدید؟

نه، به اشتباه اعلام شد در پمپ بنزین بودیم. به علت انتشار هم زمان این خبر با استیضاح وزیر رفاه دولت دهم به دلیل انتصاب آقای مرتضوی به ریاست تامین اجتماعی، این خبر به سطح اول رسانه های داخلی و خارج کشور تبدیل شد. تا به حال با آقای مرتضوی درباره پرونده های جنجالی او مانند توقیف مطبوعات یا قتل زهرا کاظمی بحث داشته اید؟

ببینید، یکی از وظایف دادستانی، مدیریت افکار عمومی از طریق کنترل رسانه ها و فضای مجازی است. نوع برخورد قضائی با فضای مجازی و رسانه ها در هر دوره سیاسی متأثر از گرایش های سیاسی و اقدامات دولت ها، متفاوت است. در زمان اصلاحات مطبوعات ایران که در انحصار احزاب اصلاح طلب حامی رئیس دولت وقت بودند، با هدف عبور از مواضع سیاسی آقای خاتمی به صورت زنجیره ای اقدام به انتشار اخباری می کردند که خارج از چارچوب و موازین پذیرفته شده نظام و دولت اصلاحات بود. قاضی مرتضوی هم به عنوان مسئول شعبه ویژه رسیدگی کننده در صف اول مبارزه با مطبوعات اصلاح طلب قرار گرفت. درواقع شرایط سیاسی زمان اصلاحات باعث شد مرتضوی در صف اول برخورد قرار گیرد؛ ضمن اینکه این خود روزنامه نگاران بودند که مرتضوی را در موضع برخورد گسترده قرار دادند. آن شرایط اگر دوباره تکرار شود به همان شیوه سابق از موضع قانون با آنها برخورد می شود. البته این را هم بگویم که آن توقیف ها به معنای سرکوب مطبوعات نبود.

درباره قتل زهرا کاظمی چطور؟

درباره این پرونده بی اطلاع هستم.

تابستان سال ۸۸ شاهد برگزاری دادگاه علنی چهره های شاخص اصلاح طلب بودیم که پس از انتخابات ریاست جمهوری بازداشت شده بودند. برگزاری آن دادگاه ها به آن شکل به پیشنهاد چه کسی بود؟

تصمیم دادرسی تهران بود. هدف این بود که چون تحریکات ضدامنیتی سال ۸۸ به صورت زنجیره ای از اقدامات غیرقانونی اشخاص موثر سیاسی، رسانه ها و افراد عادی که در سطح میدانی و تحت تاثیر مواضع اشخاص سیاسی اقدام به فعالیت علیه امنیت ملی می کردند، به صورت یکجا محاکمه شوند تا تاثیر اقدام هر یک از این حلقه های زنجیر بر روی یکدیگر به اثبات برسد.

آقای حدادی فردا! فکر نمی کنید سپهر بلای قاضی مرتضوی شده اید؟

نه! برخلاف آنچه تصور عمومی است، در دفاع از خود در پرونده بازداشتگاه کهریزک به بیان واقعیت پرداختم و آقای مرتضوی هیچ گونه نقشی در حوادث کهریزک نداشت. تصمیم گیری درباره اعزام افراد به آن بازداشتگاه از سوی شخص بنده انجام شد.

اصلاً نظر شخصی شما درباره سعید مرتضوی چیست؟

به نظرم او فردی انقلابی، ولایت مدار و خدمت است که نباید کشور از خدمات او محروم شود. درباره پرونده کهریزک به ایشان اجحاف شده و بنده صرف نظر از حکمی که در پرونده کهریزک صادر شد، به او ارادت ویژه دارم.

در پرونده شما و آقای مرتضوی نفر سومی به نام قاضی حداد هم وجود دارد؛ اما بسیار کم رنگ است و ایشان آن چنان رسانه ای نشده است. چرا؟

آقای حداد بازنیستنه است. از همان زمان صدور حکم تعلیق از قضاوت بازنیستنه شد و اکنون کار قضائی یا دولتی نمی کند. به یاد دارم ایشان برای آیت الله هاشمی رفسنجانی احترام ویژه ای قائل بود. برای مثال در پرونده حسین موسویان به شدت مخالف محکومیت او بود.

پس از تعلیق از قضاوت کجا مشغول شدید؟

بعد از حادثه کهریزک حدود یک سال در معاونت حقوقی قوه قضائیه به عنوان رئیس اداره تدوین برنامه واحدهای قضائی مأمور به خدمت شدم. در خدمت آیت الله رازینی بودم. ایشان را از جمله قضات مجتهد، مدیر و مدیر و ولایت مدار کشور می دانم که در عین شجاعت، بسیار مردم دار است و شایسته جایگاهی بالاتر از جایگاه فعلی است.

تا آن زمان هنوز حکم تعلیق صادر نشده بود، پس از تعلیق کجا رفتید؟
جاهای زیادی مشغول بودم؛ چاپ می کنید؟

بله، حتما.

پس از تعلیق مشاور نماینده ویژه رئیس جمهور و رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز (آقای سعید مرتضوی) و مسئول هماهنگی امور اطلاعاتی آن ستاد شدم. مشاور مدیرعامل و معاون حقوقی - قضائی بنیاد صبح قریب با مدیرعاملی علی طهرانی مقدم، رئیس محکمه حکمیت فدراسیون فوتبال در دوره کفاشیان، عضو کمیته انضباطی باشگاه پرسپولیس، مشاور مبارزه با پول شویی هیئت مدیره پست بانک، مشاور نظارت و بازرسی مدیرعامل بانک مسکن، مشاور حقوقی- قضائی مدیرعامل خانه مطبوعات آقای کاظم پور، معاون قضائی مجتمع حل اختلاف اصناف تهران، معاون اجرایی مجتمع حل اختلاف تهران، مشاور امنیتی - انتظامی معاون استاندار وقت تهران (سردار برانلو)، مشاور عالی دبیر کل شورای عالی ایرانیان خارج کشور (آقای ملک زاده)، مشاور راهبردی اتحادیه تاکسی رانی کشور و در نهایت مشاور امنیتی- اقتصادی کانون بانوان بازرگان ایران و معاون حراست فرماندار شیراز، البته هم زمان در دانشگاه آزاد و دانشکده پلیس هم تدریس می کردم.

ظاهرا وضعیت شما بعد از تعلیق شلوغ تر شد!

بله، همین طور است.

حقوق های خوبی هم احتمالا می گرفتید.

نه، از تنها جایی که حقوق می گرفتم، همان ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز بود.

تا چه زمانی حقوق بگیر دولت بودید؟

تا بعد از آغاز به کار دولت روحانی هم حقوق می گرفتم. تا سال ۹۳ هم مشاور مدیرعامل بانک رفاه بودم. در عید ۹۳ آقای ربیعی وزیر رفاه دستور داد از فعالیت بنده در بانک رفاه جلوگیری شود.

به نظران به عنوان قاضی سابق و نزدیک به مرتضوی، دادستان سابق تهران با دادستان فعلی یعنی جعفری دولت آبادی چقدر با هم تفاوت دارند؟

مرتضوی به این دلیل که در سن پایین به مقام دادستانی تهران رسید، در ابتدا تجربه لازم برای این جایگاه را نداشت؛ اما قدرت مدیریت ذاتی، شجاعت، تلاش و پشتکار شبانه روزی ایشان باعث شد در طول هفت سال دادستانی تهران بتواند با دریافت یک برگ ابلاغ انتساب، نزدیک به ۳۰ مجتمع دادرسی با حدود ۷۰۰ بازپرس و دادیار را تشکیل دهد. در واقع در آن هفت سال ضمن مقابله با بحران های مختلف و در دوره انتقال سیستم قضائی از محاکم عمومی به دادرسی به نحو مناسبی دادرسی تهران را احیا و اداره کرد.

جعفری دولت آبادی چطور؟

آقای دولت آبادی در زمان انتساب یک مدیر باتجربه در زمینه حقوق کیفری بود و به دلیل ویژگی های شخصیتی خود از استقلال عمل مثال زدنی برخوردار است. در مدیریت و نظارت بر دادرسی تهران و همچنین پرونده های کلان اقتصادی خوب عمل کرده است. انسانی جدي و دارای سلامت نفس است.

آقای حیدری فرد! سرنوشت سیاسی افرادی که در جریان حوادث و اعتراضات سال ۸۸ فعال بودند، مثل آقایان احمدی مقدم، رادان، مرتضوی، قاضی حداد و خود شما حالب و تلخ است. همگی به نوعی به حاشیه رفتند. علت چیست؟

در فرآیند فتنه سال ۸۸ حدود ۱۲۰ دستور از ۱۵۰ دستور جین شارپ در کتاب براندازی نرم بعینه اجرا شد. از جمله محورهای براندازی نرم، بدنام کردن، مقابله، محاکمه و حذف عناصر مقابل کننده با براندازی است. من احساس می کنم به صورت ناخواسته و بر اثر تعلق برخی تصمیم گیران امر، فشار رسانه ای و جریان سازی رسانه ای که نقش عمده را در سال ۸۸ داشت، تمام افراد فعال علیه فتنه درگیر حواشی سیاسی و قضائی و در نهایت حذف شدند. از طرفی تمام مسئولیت ها عمری دارند و علی الدوام نیستند و قرار نیست همه تا آخر عمر مدیر باشند.

اما برخی پرونده ها اقتصادی است.

به نظرم جریان فتنه و عقبه آن که در بخش هایی از مدیریت ها حضور داشتند، با توسل به ابزارهای رسانه ای در اختیارشان موفق شدند عناصر کلیدی مقابله با فتنه را با سازوکار اتهامات اقتصادی بدنام و حذف کنند.

به نظران همین آقای احمدی مقدم اگر موفق بود، چرا حدود ۲۰ ماه شاهد نذاوم اعتراض ها بودیم؟

برادران ناچا در آن زمان خیلی زحمت کشیدند؛ اما شخص احمدی مقدم فاقد قدرت مدیریت راهبردی در مقابله با بحران بود. اگر افرادی مثل سردار رادان یا سردار اشترتی در کنار احمدی مقدم مدیریت مقابله با بحران را برعهده نمی گرفتند، کارنامه ناچا در مقابله با فتنه مطلوب نبود.

فاقد توانایی مدیریت راهبردی بود، یعنی چه؟

احمدی مقدم در ایجاد انسجام نیروها، اشراف بر محیط میدانی فتنه، هماهنگی نیروها در شیوه برخورد، توجیه نیروها در به کارگیری تکنیک های مقابله انتظامی با بحران های خیابانی و تحلیل میدانی بحران بسیار ضعیف بود. به عنوان مثال در روزهای بعد از هر دستگیری در سال ۸۸ حتی از تعداد دستگیرشدگان روز قبل که در مراکز انتظامی خودشان نگهداری می شدند، اطلاع نداشت و در کل فاقد شجاعت لازم بود.

بسیاری معتقدند تیم قاضی مرتضوی چوب حمایت از احمدی نژاد را می خورند. به نظران احمدی نژاد فعلی که حتی اصولگرایان هم از او تبری می

جویند، ارزش آن را داشت که تیم شما دچار چنین روزهایی شود؟

اتفاقات سال ۸۸ برای دفاع از احمدی نژاد نبود. تمام اقدامات ما و نیروهای امنیتی برای دفاع از مواضع نظام بود. رهبری به عنوان ولی امر، نتیجه انتخابات را تأیید و مسیر اعتراض ها را به سمت روش های قانونی هدایت کردند و در واقع احمدی نژاد دیگر موضوعیتی نداشت؛ اما برای دفاع از کيان نظام و امنیت اجتماعی مردم اقدام کردیم.

با این تحلیل موافق هستید که احمدی نژاد در افزایش درگیری ها و اعتراض ها نقش موثری ایفا کرد؟

او به عنوان مجری قانون اساسی و کسی که در برابر ملت سوگند خورده تا حافظ و مجری قانون اساسی باشد، اولاً وظیفه داشت در عمل به قانون اساسی در موضوع انتخابات آن مرحله را به شکلی اداره کند که محل ایراد از سوی هیچ معاندی باقی نماند. از سوی دیگر به عنوان مجری قانون اساسی مکلف بود پس از اغتشاشات، تمام تلاش خود را برای حفظ امنیت کشور حتی به قیمت ماهه گذاشتن از اعتبار، حیثیت، شخصیت و ... به کار گیرد؛ اما در عوض با بی اعتنائی به حوادث ایجادشده و بی مسئولیتی در این باره نه تنها اقدام موثری در حفظ امنیت نکرد؛ بلکه با طرح سخنرانی تحریک آمیز، عزل دسته جمعی وزرا، اعلام مواضع دوگانه و ورود نکردن به مصالحه و بی اعتنائی به جلب رضایت مخالفان، باعث تشدید شرایط بحران شد.

پس موضع شما هم مانند سایر اصولگرایان در نقد احمدی نژاد است.

به هر حال او بعد از انتخابات، رئیس جمهور همه ملت ایران بود و نباید در برابر جمعیت معترض پرچم مقابله و برخورد دست می گرفت و در زمان بحران از معرکه خارج می شد. احمدی نژاد از همان شروع بحران در سال ۸۸ با در پیش گرفتن موضع بی طرفی در فکر تصاحب آرای مخالفان برای انتخابات سال ۹۲ بود. دعوا به خاطر احمدی نژاد بود؛ اما او دنبال مخالفان بود!

علت حمایت او از مرتضوی چه بود؟

پس از قضائی شدن پرونده کهریزک از مرتضوی و بنده حمایت کرد.

چرا؟

برای مخالفت از موضع سیاسی با منتقدان خود.

دنبال چه بود؟

جذب رای برای مشایبی در انتخابات ۹۲.

آقای حیدری فرد! در جریان اصولگرا هنوز برخی هستند که همچنان اعتقاد دارند حفظ نظام با برخی از این روش ها میسر است. علت وجود این نگاه چیست؟

«امنیت» یک مقوله چندوجهی و انتزاعی است که هر تعریفی را می توان در قالب این مفهوم گنجاند. از یک منظر امنیت با جلب رضایت مردم محقق می شود؛ اما امنیت علاوه بر شقوق نرم دارای وجوه سخت و فیزیکی است و در جایی برای حفظ امنیت نیازمند اقدامات امنیتی، اطلاعاتی و انتظامی هستیم.

اکنون که بیش از هشت سال از آغاز آن حوادث گذشته، فکر می کنید علت اصلی حوادث سال های ۸۸ و ۸۹ چیست؟

معتمد علت اصلی بروز آن مسائل که در پی آن نظام دچار لطمه های امنیتی، اقتصادی و سیاسی شد که حادثه کهریزک هم از جمله نتایج زیان بار آن است، غفلت استراتژیک برخی نهادهای مسئول در برآورد وضعیت پیش رو بود. عدم اتخاذ تدابیر امنیتی لازم برای مدیریت بحران قبل از وقوع آن و در نهایت حمایت درونی بخش عمده ای از نخبگان سیاسی و خواص نظام به علت برخی نارضایتی ها دست به دست هم داد تا آن حادثه ایجاد شود.

وقتی آن مسائل مانند تعلیق شما برای شما اتفاق افتاد، واکنش خانواده و به ویژه همسران نسبت به آن چگونه بود؟

همسر قاضی دادگستری است و فوق لیسانس حقوق دارد و خواهر دو شهید است. خواهر او هم قاضی است و دکترای حقوق دارد. برادر او قاضی و سه برادر دیگرش دکترای مدیریت دارند. پدر همسر «حاج عباس» فردی مومن، متدین و ولایت مدار در اصفهان و از خانواده آبرومندی است. همسر یک قاضی امین، متدین و با لیاقت است؛ اما اقدامات بنده و حواشی ام باعث لطمه به حیثیت آنها شد و از دستم ناراحت هستند؛ اما من او را بسیار عاشقانه دوست دارم.

وقتی بحث کشته شدن شهروندان در کهریزک پیش آمد، در خانه شما چه گذشت؟

همسر بسیار ناراحت بود... من نفر هشتم فهرست تحریم ها در ماه می سال ۲۰۱۲ از طرف اتحادیه اروپا بودم و همسر از این موضوع بسیار اندوهگین شد.

درباره محاکمه شما چه نظری به عنوان یک قاضی داشت؟

چون از واقعیت ماجرا اطلاع داشت، با محاکمه ام مخالف بود؛ اما هم من و هم ایشان تابع قانون هستیم.

ازدواج شما سنتی بود؟

ما همکلاسی بودیم. هر دو در بسیج دانشجویی دانشکده علوم قضائی فعالیت داشتیم. یک دختر به نام «ریحانه» داریم که متولد سال ۸۶ است.

آقای حیدری فرد! شما بابت ماجرای تلخ کهریزک نمی خواهید از مردم عذرخواهی کنید؟

(سکوت). از مقام معظم رهبری و ملت ایران طلب عفو و بخشودگی دارم.

□

دفعات مطالعه این مطلب: 1064 بار

PDF این صفحه | مطلب قبلی | فهرست مطالب | مطلب بعدی

آثار دیگری از "ملیحه حسینی"

- مرتضی الویری در گفت و گو با «ایران»: تخصص و تجربه در شورای بنجم پایتخت بر گرایش های سیاسی غلبه دارد / تجربه تلخ شورای اول تکرار نمی شود
ملیحه حسینی، ایران 4/3/96
[مشاهده متن](#)
- مرتضی الویری در گفت و گو با «اعتماد»: شورای شهر در تخلفات شهرداری سهیم است
ملیحه حسینی، اعتماد 20/2/96
[مشاهده متن](#)
- خاطرات جنجالی هاشمی- احمدی نژاد / خاطرات سال 70 و دیدگاه های 88 هاشمی، این هفته در نمایشگاه خاطرات احمدی نژاد در دست تدوین قرار گرفته است
ملیحه حسینی، اعتماد 7/2/93
[مشاهده متن](#)
- فیلمسازی علیه روحانی / فیلم تخریبی علیه رییس جمهور با نام «من روحانی هستم» منتشر شد
ملیحه حسینی، اعتماد 6/2/93
[مشاهده متن](#)

[بیشتر ...](#)

سایت را به دوستان خود معرفی کنید

1397-1380 کلیه حقوق متعلق به سایت بانک اطلاعات نشریات کشور است.
اطلاعات مندرج در این پایگاه فقط جهت مطالعه کاربران با رعایت شرایط اعلام شده است. کپی برداری و بازنشر اطلاعات به هر روش و با هر هدفی ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

بشتیبانی سایت magiran.com (در ساعات اداری): 021 77512642
تهران، صندوق پستی 111-15655
فقط در مورد خدمات سایت با ما تماس بگیرید. در مورد محتوای اخبار و مطالب منتشر شده در مجلات و روزنامه ها اطلاعی نداریم!

تمامی خدمات پایگاه magiran.com ، حسب مورد دارای مجوزهای لازم از مراجع مربوطه می باشند و فعالیت های این سایت تابع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران است

توجه:
magiran.com پایگاهی مرجع است که با هدف اطلاع رسانی و دسترسی به همه مجلات کشور توسط بخش خصوصی و به صورت مستقل اداره می شود. همکاری نشریات عضو تنها مشارکت در تکمیل و توسعه سایت است و مسئولیت چگونگی ارائه خدمات سایت بر عهده ایشان نمی باشد.